



روز شنبه ۳۰ خرداد ۶۰، روز طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس بود.در اولین جلسه بررسی طرح مزبور، ۱۵ تن از نمایندگان از شرکت در جلسه خودداری کردند که برخی از شناخته شده‌ترین آنها عبارت بودند از: مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی، یدالله سحابی، احمد سلامتیان، احمد صدر حیدسجودادی، احمد غضنفرپور، محمد مجتهدشبه‌بستری و هاشم صباغیان- همه گروه‌ها و جریان‌های مخالف نظام – جز اندکی که مرزبندی ایدئولوژیک و استراتژیک با لیبرال‌ها داشتند – قرار حمایت از بنی‌صدر را گذاشته بودند.بنی‌صدر کلاماً مخفی شده بود و هیچ کس از محل اختفای او خبر نداشت؛ تا آنجا که دادستان انقلاب اسلامی مرکز نیز بعداً اعلام کرد از محل سکونت بنی‌صدر هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست.بعداً معلوم شد او ابتدا در منزل دکتر ناصر تکمیل همایون، عضو حزب ملت ایران و از دوستان قدیمی بنی‌صدر در ایران و فرانسه، مخفی شد و پس از چند نقل و انتقال و تغییر مکان، سرانجام از طریق حسین نواب‌صفوی، صاحب امتیاز روزنامه انقلاب اسلامی – که رابط سازمان با دستگاه بنی‌صدر بود – به مخفیگاهی رفت که سازمان تدارک دیده بود.عصر روز س‌ام خرداد، در تهران و چند شهر بزرگ دیگر، هواداران و وابستگان سازمان حرکتی را انجام دادند یا شروع کردند که سرانجامی جز تباهی برای آنها نداشت.سازمان بعداً مدعی شد ۵۰۰ هزار نفر در تظاهرات ۳۰ خرداد شرکت کردند؛ لیکن تعداد افراد سازماندهی شده سازمان و گروه‌هایی که به آنها پیوستند و در حمایت از بنی‌صدر و سازمان به تظاهرات خشونت‌بار و مسلحانه دست زدند، بیش از چند هزار نفرند.خبر جلوگیری رویتر گزارش داد «حدود ۳ هزار نفر از افرادی که به سازمان چریکی مجاهدین خلق تعلق دارند خیابان‌ها را بستند و تعدادی اوتومبیل و موتورسیکلت را آتش زدند و علیه حکومت اسلامی به شعار دادن پرداختند.» آقای هاشمی‌فسنجانی در خاطرات روزانه خود، ذیل ۳۰ خرداد، نوشته است:

روز شنبه ۳۰ خرداد ۶۰، روز طرح عدم کفایت و اقلیت فدایی و… تدارک وسیعی برای ایجاد آشوب و جلوگیری از کار مجلس دیده بودند و به نحوی اعلان مبارزه مسلحانه کرده‌اند.از ساعت ۱۲ ظهر به خیابان‌ها ریختند و تخریب و قتل و غارت و آشوب را در تهران و بسیاری از شهرستان‌ها آغاز کردند. کم کم نیروهای سپاه و کمیته‌ها و حزب‌اللهی‌ها به مقابله برخاستند.من در مجلس بودم. صدای تیراندازی از چندین نقطه شهر به گوش می‌رسید.جمعی از نمایندگان در دفتر من جمع شده بودند.نزدیک غروب، آقای ارضاً زواره‌ی مسؤول ستاد امنیت آمد و نوار ضبط شده از ارتباطات تلفنی مرکز فرماندهی مجاهدین خلق با رابط‌های آشوب خیابانی را آورد که برنامه وسیع تخریب و آشوب آنها را مشخص می‌کرد.اولایل شب، آشوبگران شکست خوردند و متفرق شدند؛بدون اینکه کار مهمی از پیش بریزد؛ جز تخریب چند ماشین و مرگ و جراح چند نفر از طرفین… خبر رسید خانم بنی‌صدر را هم بازداشت کرده‌اند.نظر دادیم ایشان را آزاد کنند و در خانه تحت نظر داشته باشند. شروع تظاهرات، ساعت ۴ بعدازظهر تعیین شده بود و مکان‌های تظاهرات در تهران، عبارت بودند از: خیابان انقلاب، میدان فردوسی، خیابان طالقانی، منیریه، خیابان ولیعصر، میدان ولیعصر، بلوار کشاورز، میدان فلسطین، خیابان نظام‌آباد و پل سیدخندان. مسؤولیت و هدایت تظاهرات، به عهده «جیش اجتماعی» و زیرنظر محمد ضابطی بود. هواداران تشکیلاتی در تمام نقاط از این شکست بودند، با انفعال و سردرگمی، سرد مسلح شدند و فضای شهر تحت کنترل نیروهای بودند. چاقو، چماق، تیغ موکت‌بری، قمه، پنجه برس و فلفل (برای پاشیدن به چشمان مخالفان) از سایللی بود که اغلب هواداران – به دستور تشکیلات – با خود حمل می کردند. تظاهرات، نه به صورت خودجوش بلکه بر اساس تصمیم رهبری سازمان، به یک حرکت کور مسلحانه تبدیل شد.مقصود از این، چنانکه سازمان

نگاهی به پیوند اولین رئیس‌جمهور با دشمنان جمهور

مهلکه شکست تر «شورشگری»

بارها بدان اعتراف کرده بود، عملیات «سرنگونی نظام»، به صورت شبهه‌کودتا و با حضور سازماندهی شده «هواداران» و با «پیشتازی عنصر مسلح» بود. بنی‌صدر به دلیل ضعف تحلیل و بینش سیاسی و نیز مغلوبیت روانی در برابر سازمان –به امید کسب موقعیت سیاسی جدید، پس از تغییر حاکمیت – این حرکت را همراهی کرد. مردم حزب‌اللهی و حتی کسانی که نظر میانه‌ای داشتند، در برابر این تظاهرات – که نقطه عطف تغییر فاز سیاسی به فاز نظامی تلقی می‌شد – موضع‌گیری کردند. از جنوب شهر تهران و مناطق دیگر (میدان خراسان، میدان امام حسین(ع)، خیابان مولوی، شهری، راه‌آهن و جوادیه و…) گروه‌های مردم به راه افتادند و با موتور، دوچرخه، اتوبوس، مینی‌بوس و هر وسیله شخصی و امکان دیگری که در دسترس بود، خود را به مرکز شهر رساندند.در ابتدای رویارویی مردم عموماً از کمربند یا سنگ استفاده می کردند ولی زمانی که هواداران سازمان با سلاح‌های مختلف سرد (و در چند جا سلاح گرم) حمله کردند، نیروهای سپاه و کمیته وارد عمل شدند. مردم، در خلال این درگیری‌ها متحمل جرح و ضرب و قتل تعدادی از خود شدند. اولین خبر منتشره درباره تعداد تلفات از خود شدند. حاکی از آن بود که ۱۶ تن از مردم کشته و ده‌ها نفر مجروح شده‌اند. تن از مجروحان نیز فرادی آن روز به نامحسن جرح و ضرب و قتل تعدادی از خود شدند. اولین خبر منتشره درباره تعداد تلفات از خود شدند. حاکی از آن بود که ۱۶ تن از مردم کشته و ده‌ها نفر مجروح شده‌اند. تن از مجروحان نیز فرادی آن روز به نام غلت شدت جراحات وارده، در بیمارستان فوت کردند. صدای آمریکا در خبر خود، وقایع ۳۰ خرداد تهران را از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی بی‌سابقه توصیف و اعلام کرد در خلال درگیری‌های آن روز «دست‌کم ۳۰ تن کشته و ۲۰۰ تن مجروح شدند». خیابان‌های محل درگیری در تهران وضعیت غریبی پیدا کرده بود. چه‌راهی ملتهب، مغازه‌های تعطیل شده، اتوبوس‌های به آتش کشیده شده و دود لاستیک‌های سوخته، چهره این مناطق را درگروگون کرده بود. هواداران سازمان (و اغلب همان «میلبیشا»ی معروف) به همراه جمعی از هواداران دیگر گروه‌ها، در کوچه و خیابان، افرادی را که از جهت هیات ظاهری به حزب‌اللهی‌ها شبیه بودند، کتک‌زده و از آنها می‌خواستند به نفع بنی‌صدر و سازمان شعار دهند، چوب و سنگ بر سر و روی افراد مقناوم می‌ریختند و بسا کارد و چاقو تیغ موکت‌بری صورت و بدن آنها را زخمی می‌کردند. حضور گروه‌های مختلف مردم و پاسداران در خیابان‌های اصلی و مرکزی شهر کم‌وکم وضع را درگون کرد و دستگیری مهاجمان آغاز شد. از حدود ساعت ۷ بعدازظهر، هواداران باقیمانده که مهیوت از این شکست بودند، با انفعال و سردرگمی، متفرق شدند و فضای شهر تحت کنترل نیروهای انتظامی آرام گرفت. همزمان در چند شهر مانند اصفهان، همدان، ارومیه، شیراز، اهواز، اراک، زاهدان، مسجدسلیمان، بندرعباس و مشهد نیز درگیری‌های پراکنده مشابهی در سطوح کوچک‌تری رخ داد که طی آنها نیز ده‌ها تن مجروح و چند تن کشته شدند. مقارن با این وقایع، شاهپور بختیار آخرین نخست وزیر رژیم

است که در متن خط آمریکا خواسته یا ناخواسته قرار گرفته است. خطی که از جنبه املی آمریکایی شروع می‌شود و تا چپ‌های آمریکایی ختم می‌شود. حجت‌الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس نیز با اشاره به وقایع ۳۰ خرداد چنین گفت:… خبر آشوب دیروز عصر =۳۰ خرداد] را که با پرچمداری منافقین خلق و پیکار و سازمان، عملیات ازعالی و شورشگرانه سازمان را با ناکامی مواجه کرد. روز ۳۱ خرداد نیز بررسی طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور در مجلس ادامه یافت و در جلسه بعد از ظهر آن، اکثریت نمایندگان به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر رأی دادند. در این روز نیز نمایندگان طرفدار نهضت آزادی و رئیس‌جمهور از شرکت در جلسه مجلس شورای اسلامی خودداری کردند. علاوه بر افرادی که جلسه ۳۰ خرداد را ترک کرده بودند، عزت‌الله سحابی، گلزاده غفوری، اعظم طالقانی، حسین انصاری‌راد نیز از شرکت در جلسه ۳۱ خرداد خودداری کردند. همچنین ۱۰ تن از نمایندگان مجلس با صدور یک اطلاعیه مشترک دلایل خود را برای رأی دادن به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر اعلام کردند. در بین امضاکندگان این نامه در کنار نام محمدکاظم موسوی بجنوردی، محمد محمدی گرگانی و امید نجف‌آبادی، نام حسن یوسفی‌اشکوری نیز به چشم می‌خورد. وی معمولاً در مجلس، مواضع همسو و هماهنگ با نمایندگان وابسته به نهضت آزادی اتخاذ می‌کرد و بعدها نیز از پیوستگان و هواداران جدی این جریان شد ولی در ماجرای عزل بنی‌صدر، برخلاف موضع مهندس بازرگان و همفکرانش اقدام کرد. در اطلاعیه جمع ۱۰ نفره مزبور، ضمن تأکید بر رهبری حضرت امام تلاش شده بود در مخالفت بسا رئیس‌جمهور، ضمن انتقاد به جناح مقابل وی نوعی مرزبندی با سایر نیروهای پیرو خط امام و حزب جمهوری اسلامی انجام شود. این اطلاعیه، «انتقادهای اصولی و اساسی» وارد بر بنی‌صدر را «مقابلیه وی با نظام و رهبری امام» عمده ساختن اختلاف با جناح مقابل و تبدیل شدن به «مرکز وحدت اکثر مخالفان نظام جمهوری اسلامی»، «غرور و خودمداری و کیش شخصیت» و «مخالفت با نهادهای انقلابی» برشمرده بود. حجت‌الاسلام محمد موسوی‌نشینانی‌ها در آخرین جلسه سرزده‌ی به طرح عدم کفایت سیاسی رئیس‌جمهور ضمن سخنان مشروحتی در مخالفت با بنی‌صدر تأکید کرد:

… بحث از یک فرد نیست که اگر مساله، یک فرد بود این همه جنجال نداشت. اینجا بحث از یک جریان است؛ جریان آمریکایی ضداسلامی… این مخالفان، آیا این اوصاف است که شما اختلاف خط اقلین می‌توانید، ضداسلام را با خط اصیل انقلاب اسلامی یعنی خط امام، به نزاع بین ۲ جناح سیاسی داخلی تفسیر کنید؟… شما هنوز نشنیدید که امام گفتند من بیش از یک سال صبر کردم ولی احساس خطر برای جمهوری اسلامی کردم… آیا باز هم می‌گوییداختلاف بین ۲ جناح سیاسی است؟… بحث بر سر عدم کفایت رئیس‌جمهوری

است؟… بحث بر سر عدم کفایت رئیس‌جمهوری

است؟… بحث بر سر عدم کفایت رئیس‌جمهوری

مقاومتی توان قابل توجهی از نیروی جریان اسلامی را نشان داد اما در ادامه، کینه دولت استعماری انگلیس حرکت آن را متوقف کرد. گفته شد وزارت خارجه انگلستان در پی خلل در امور شرکت بود. نامه‌نگاری‌های وزارت خارجه انگلستان با دولت‌هایی که شرکت اسلامی‌ه در آنجا فعالیت داشت تا حدودی در کنترل و کاهش اقدامات تجاری شرکت دخیل بود. ۸– توضیح فوق یکی از تجربه‌های تأثیرگذار اقتصاد مقاومتی ایرانیان را نشان می‌دهد. شرکت اسلامی فعالیت‌های گسترده و در عین حال تأثیرگذاری را در بعد اقتصادی انجام داد. اگر چنین تجربه‌ای در ۱۲۰ سال پیش حاصل شده است، قطعاً در شرایط کنونی، ایجاد اقتصادی قوی، تأثیرگذار و متکی به توان بومی، دور از دسترس نیست. اقتصادی که در ۲ بعد سلبی و ایجابی هم از مصرف کالاهای خارجی فاصله می‌گیرد و هم به تولید داخلی تکیه دارد.

پی‌نوشت:

۱– نجفی، موسی (۱۳۷۸)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج‌آقا نورالله اصفهانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۳۱

۲– محبوسبی اردکانی، حسین (۱۳۶۸)، تأسیس مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد سوم، به کوشش کریم اصفهانیان و جهانگیر قاجاریه، تهران، دانشگاه تهران، ۹۴

۳– روزنامه حیل‌المتین (۱۳۱۶)، شماره ۲۰، ذی‌القعده ۱۳۱۶ هجری قمری

۴– نجفی، موسی (۱۳۷۸)، ص ۴۱

۵– روزنامه ثریا (۱۳۱۷)، سال دوم، شماره ۱۳

۶– همانجا

۷– روزنامه الهلال (۱۳۱۷)، شماره دهم، دهم جمادی‌الآخر، چاپ مصر

۸– نجفی، موسی (۱۳۷۸)، ص ۲۵

«پژوهشگر تاریخ معاصر منبع: پایگاه‌برهان

یادداشت‌ورده

چرایی انتشار جزئیات اسکان فرهنگیان در رسانه‌ها؟!
وحید حاج‌سعیدی: جزئیات اسکان نوروزی فرهنگیان در مدارس، تجهیز ۱۰۵ هزار مدرسه برای اسکان نوروزی فرهنگیان، آغاز ثبت‌نام اینترنتی اسکان فرهنگیان، اسکان غیرفرهنگیان در مدارس تخلف است، اسکان ۱۰ میلیون و ۹۶۳ هزار و ۱۷۷ نفر در مدارس در نوروز ۹۶ و… اخباری از این دست، همه ساله در ایام نوروز و تابستان در صدر اخبار رفاهی (!) مربوط به فرهنگیان قرار دارد و رسانه‌ها بویژه رسانه ملی با تهیه خبر، مصاحبه و گزارش تصویری به انتشار جزئیات این رویداد بزرگ ملی می‌پردازند! غافل از اینکه اسکان معلم و خانواده‌اش در پای تخته سیاه و روی یک تکه موکت، تنها پایین آوردن شأن معلمی است و لاغیر. بدون تردید یکی از چالش‌های اساسی در سفر که گاهی اوقات مانع اصلی بستن بار سفر می‌شود، محل اسکان یا اقامت در طول سفر است. بدون شک امنیت فیزیکی و روانی در محل اسکان یکی از دغدغه‌های اساسی افراد در طول مسافرت محسوب می‌شود. در کشورهای مختلف دنیا مکان‌های اقامتی با شرایط و امکانات متفاوتی وجود دارد که مسافران با توجه به شرایط مالی و نیاز خانوادگی نسبت به انتخاب و اقامت در این مکان‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند. هر چند در کشور ما نیز در بحث اقامت مسافران اقدامات زیادی انجام شده ولی با توجه به میزان کم درآمد سرانه خانوارها و هزینه بالای اقامت در هتل‌ها و مکان‌های اقامتی، بیشتر افراد سعی می‌کنند در منزل دوستان و آشنایان، مکان‌های اقامتی با قیمت پایین‌تر و حتی چادرهای مسافرتی اقامت کنند. در همین راستا ادارات و نهادهای ذی‌ربط جهت رفاه کارمندان خود در ایام نوروز و تابستان برنامه‌ها و شرایط ویژه‌ای را تدارک می‌بینند تا آنها بتوانند ایامی به یادماندنی و دلپذیر در کنار خانواده خود در محیطی امن و استاندارد نظیر هتل، مجتمع‌های رفاهی و نظایر آنها داشته باشند اما آموزش‌وپروژه‌ها که خود تنها جدا یافته‌ای است روبروی اسکان فرهنگیان را در مدارس در دستور کار خود قرار داده است و همه ساله در ایام نوروز و تابستان چندین میلیون نفر از فرهنگیان به همراه خانواده‌های خود در کلاس‌های درسی که به چند متر موکت، چند تخته پتو و بالش تجهیز شده‌اند، اسکان داده می‌شوند و این خدمت نیز به عنوان برگ زرینی در خدمت‌رسانی به قشر مظلوم معلم در وزارت آموزش‌وپرورش محسوب می‌شود(! البته همین امکانات اولیه نیز درجه‌بندی شده‌اند و اسکان در کلاس‌هایی که در آنها یخچال و تلویزیون تعبیه شده است، نیاز به پیمان‌اینترنی از چند هفته قبل و واریز وجه هنگام ثبت‌نام دارد! جالب‌تر اینکه مدیر کل تعاون و پشتیبانی وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه فرهنگیان قادر به استفاده از هتل‌ها در ایام نوروز نیستند، اسکان فرهنگیان در مدارس را در راستای افزایش منزلت اجتماعی فرهنگیان و طیب خاطر فرهنگیان عنوان کرده است! آیا سایر کارمندان در طول نوروز و تابستان به سفر نمی‌روند یا اقامت در کلاس‌های درس و چادر زدن در حیاط مدارس از اهمیت خاصی برخوردار است که صداوسیما به گزارش جامع درباره آن می‌پردازد؟! این اجحاف در حق سایر کارمندان و بی‌توجهی به انتشار اخبار مربوط به آنها، به هیچ عنوان قابل توجیه نیست و جا دارد رسانه بزرگ ملی از محل اسکان سایر کارکنان دولت و میزان رضایت آنها از محل اسکان نیز گزارش تهیه کند!

■ **سخن پایانی**

در شرایط موجود و برنامه‌های اعلامی از سوی وزارت آموزش‌وپرورش نظیر تغییر محتوای آموزشی به عنوان برنامه اصلی آموزش‌وپرورش، چانه‌زنی برای افزایش حداقلی حقوق فرهنگیان، ابتر ماندن رتبه‌بندی فرهنگیان و… به نظر می‌رسد توان و اراده‌ای اساسی برای پرداختن ریشه‌ای به دغدغه‌های اسکان فرهنگیان مشاهده نمی‌شود و بیشتر طرح‌ها و ایده‌های مطروحه در این وزارتخانه عریض و طویل، عمدتاً کانسذی، کلیشه‌ای و غیرقابل اجرا هستند و با این روند، امید به بهبود اوضاع معیشتی فرهنگیان و تغییر نگاه به مقوله آموزش‌وپرورش نیست. ولی ای کاش دوستان

بستد در بگذرانند از ضمن به دست‌اندرکاران رسانه ملی نیز توصیه می‌شود از انتشار اخبار

خجالت‌آوری نظیر اسکان فرهنگیان در مدارس که چیزی جز هنک حرمت و پایین آوردن شأن آنان نیست، خودداری کنند و این آمار را

در زمره دستاوردهای وزارت آموزش‌وپرورش لحاظ نکنند!